

تحلیل موانع همگرایی ایران با کشورهای پیرامونی در قرن بیست و یکم و ارائه‌ی یک برنامه‌ی استراتژیک با استفاده از تکنیک SWOT و MCDM

شهریار نصرتی

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

محمد اخباری^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

رحیم سرور

استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

چکیده

در قرن بیست و یکم، یکی از ملزومات ورود کشورها به جریان جهانی شدن و برقراری صلح پایدار منطقه‌ای و جهانی، همگرایی است. با توجه به برخی موانع موجود در رابطه با همگرایی ایران با کشورهای پیرامونی، لزوم امکان‌سنجی و طراحی استراتژی‌های مناسب در خصوص ایجاد زمینه‌های همگرایی، بادر نظر گرفتن واقعیات زمانی، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، تحقیق حاضر، با روش ترکیبی (توصیفی-تحلیلی و پیمایشی) و روش حل مسائل از نوع تصمیم‌گیری چند معیاره در پی پاسخ به این سؤال است که با توجه به شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی در قرن بیست و یکم، مناسب‌ترین استراتژی‌ها بر حسب اولویت جهت افزایش نقش ایران در ایجاد همگرایی با کشورهای پیرامونی کدامند؟ در این راستا با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و استفاده از تکنیک SWOT، ۴ نقطه‌ی قوت، ۴ نقطه‌ی ضعف، ۵ فرصت و ۳ تهدید عمده در خصوص همگرایی ایران با کلیه‌ی کشورهای پیرامونی شناسایی و ۸ استراتژی کاربردی تدوین گردیده و در نهایت، این استراتژی‌ها با استفاده از روش MCDM از طریق پرسشنامه و مصاحبه، الویت‌بندی شدند. نتایج حاصله از پرسشنامه مقایسات زوجی نشان می‌دهد که استراتژی "ایجاد پیوندهای ژئواکونومیک" در رتبه‌ی اول و سایر استراتژی‌ها در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: همگرایی، استراتژی، ایران، SWOT MCDM

مقدمه و طرح مسأله

نیازهای عینی و واقعی ملت‌ها و دولت‌های یک منطقه که ناشی از واقعیت مجاورت و یا قراردادن در یک حوزه جغرافیایی و سیاسی - فرهنگی و اقتصادی مشترک است، مسائل، مشکلات و یا منافع را ایجاد می‌کند که همه‌ی آن دولت‌ها سود و نفع مشترکی در حل آن‌ها و همکاری با یکدیگر برای بهره برداری از منافع آن دارند و همین، ایجاد ارتباطات در سطوح دوجانبه و چندجانبه و ایجاد سازوکارها، سازمان‌ها و ساختارهای مشترک را برای آن‌ها به یک امر ضروری مبدل می‌نماید (عزتی، ۱۲، ۱۳۸۹) امروزه، توسعه‌ی منطقه‌ای، پیشرفت و امنیت کشورهای هر منطقه وابسته به یکدیگر بوده که یک همگرایی را در این راستا می‌طلبد. ایران، هم اکنون بیش از هر زمان دیگری به تحرک دیپلماتیک و برنامه‌ی استراتژیک نیاز دارد. (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ۳۰۴). فضای که کشور ایران در آن واقع شده، آستن مناقشه و یکی از مراکز درگیری و بی ثباتی در جهان است. هرچند قرارگیری ایران در کانون اصلی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا و دسترسی به دو حوزه انرژی مهم جهان یعنی خلیج فارس و خزر و نزدیکی با حوزه‌های مهم پیرامونی همچون آسیای مرکزی و قفقاز، جنوب آسیا و مدیترانه و نیز واقع شدن در مسیر کریدور شمال - جنوب و شرق - غرب، مزیت‌هایی به همراه داشته، از طرفی بواسطه‌ی همسایگی با کشورهای متعدد با مرزهای خشکی و آبی فراوان و تنوعات قومی، نژادی و مذهبی، روابط ایران با این کشورها تحت تأثیر عواملی مانند جغرافیا، رقابت‌های منطقه‌ای، تفاوت دیدگاهها و منافع، قرار گرفتن در بلوک‌های قدرت متفاوت، همپوشانی حوزه‌های نفوذ و... بوده است (نورانی، ۳، ۱۳۹۲) در فضای سرزمینی ایران، ادعاهای ارضی و مرزی از سوی همسایگان و نیز جهت‌گیری‌های سیاسی، همواره در ایجاد و اگرایی و تولید تعارضات ژئوپلیتیکی بین ایران و کشورهای پیرامونی تأثیرگذار بوده و ایران علی‌رغم داشتن برخی وجوه مشترک با بسیاری از کشورهای همجوار، نتوانسته به یک راهکار عملی و یک استراتژی منطبق با واقعیات جغرافیایی و زمانی جهت ایجاد همگرایی با ثبات دست یابد؛ چنانکه سابقه‌ی منازعات پیشین مؤید این ادعاست و در صورت تداوم این وضعیت، نه تنها تضمین صلح نسبی امکانپذیر نخواهد بود بلکه در درازمدت می‌تواند امنیت ملی و منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد و تهدیدی بالقوه برای حیات ملی ایران محسوب گردد. در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است تا براساس رهیافت واقع‌گرایی، ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر همگرایی و با تحلیل و بررسی موانع همگرایی ایران با کلیه‌ی کشورهای پیرامونی در یک دید کلی باهدف دستیابی به یک الگوی راهبردی مبتنی بر صلح پایدار، علاوه بر تأمین امنیت ایران و کشورهای پیرامونی، امکان کاهش زمینه‌های و اگرایی و ترسیم یک دورنمای امنیتی همراه با توسعه‌ی پایدار با رعایت مقتضیات فضای بین‌المللی و الزامات منطقه‌ای در قرن بیست و یکم و عصر جهانی شدن و ایجاد همگرایی با محوریت ایران که منتهی به صلح و ثبات منطقه‌ای شود، از طریق تدوین و الویت‌بندی استراتژی‌های مناسب میسر گردد.

مباحث نظری

همگرایی؛ مفهوم شناسی و مرور بر برخی دیدگاه‌ها

از نظر لغوی، همگرایی به مفهوم تشکیل یک کل بوسیله‌ی اجزاء است (کولایی، ۱۳۷۹، ۲). در سیاست بین‌الملل، همگرایی فرآیندی شناخته می‌شود که طی آن واحدهای سیاسی از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به

هدف‌های مشترک صرف‌نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی تبعیت می‌کنند. (حافظ نیا، ۱۳۹۰، ۳۷۴). همگرایی هم در سطح داخلی یک کشور معنی می‌دهد و هم در یک منطقه بین تعدادی از کشورها (Dennis and Yusof, 2003, 18). همگرایی‌های منطقه‌ای در جهان سیاست، پیشینه‌ی زیادی دارند (مجتهدزاده، ۱۳۹۱، ۲۳۹). والت^۱ معتقد است که همگرایی یک دولت با دولت‌های مشابه می‌تواند مشروعیت آن دولت را به واسطه‌ی تعلق به یک مجموعه‌ی فکری بزرگتر افزایش دهد (Walt, 1987, 34). ارنست‌هاس^۲ از پیش‌تازان نظریه‌ی همگرایی، همگرایی را فرآیندی می‌داند که طی آن رهبران سیاسی کشورهای مختلف متقاعد و راغب می‌شوند تا فعالیت‌های خود را به سمت مرکز جدیدی سوق دهند که نهادهایش صلاحیت تصمیم‌گیری و رای ملی دارد (سیف زاده، ۱۳۷۶، ۳۰۷). پژوهشگرانی نظیر استیون اشپیگل^۳ و لوئیس کانتوری^۴ تصریح می‌کنند: به هر میزان که شباهت شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و تشابه و تجانس بین ساختارهای سیاسی کشورها افزایش یابد بخت بیشتری برای تحکیم همگرایی وجود خواهد داشت (10، 1970، Contri&spiegel). نظریه پردازان همگرایی، علیرغم اختلاف در تعاریف از ویژگی‌های مشترک برخوردارند. به طور کلی، آن‌ها معتقدند که افراد هنگامی رفتار همگرایانه در پیش خواهند گرفت که پیش‌بینی کنند با پادشاه‌ها و تنبیهات مشترکی روبرو خواهند شد. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶، ۶۷۰).

همگرایی در قرن بیست و یکم

با پایان جنگ سرد، نظام‌گیری جای خود را به اقتصاد بدون مرز داده و به طبع، ماهیت ائتلاف‌ها نیز تغییر کرده است (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۷، ۲۸۹). در اوایل قرن بیست و یکم، ژئواکونومی که رابطه بین قدرت اقتصادی و فضا را بررسی می‌کند به عنوان ابزاری در دست حکومت‌ها جهت پیشبرد اهدافشان خواهد بود. ژئواکونومی در شکل‌گیری قدرت نقشی ندارد بلکه یک جنبه از مشخصات توسعه‌اش در ارتباط با عوامل مهمی است که تعیین می‌کند و یک جنبه‌اش در ارتباط با تأکید بر تغییر استراتژی‌های نظامی به استراتژی اقتصادی است. به عبارتی ژئوپلیتیک بعد از جنگ سرد، ژئوپلیتیک همکاری و همگرایی به جای تقابل و رویارویی می‌باشد. یعنی ظهور ژئواکونومی؛ که در آن کارکرد مرزها متحول گشته و توجه، به بالاترین بازده و بازارهای جهانی سرمایه‌گذاری و عرضه محصولات می‌باشد. تشکیل اتحادیه‌ای منطقه‌ای نیرومند و مؤثر نیازمند شناخت نیروهای درونی و موانع پیرامونی و تدوین استراتژی؛ و هدف‌های مقطعی و بلند مدت و راه‌های کوتاه مدت است و سطوح گوناگون همکاری مبتنی بر مشارکت عوامل گسترده‌ای می‌باشد که فراتر از منافع دولت است. این رویکرد به عنوان راه حلی جهت نزدیکی دولت‌های ملی، الهام گرفته از نظریه‌ی کارکردی است که معتقد است با برخورد منطقی و تدریجی می‌توان به آرمان صلح از طریق ایجاد و تقویت همکاری اقتصادی در سطح منطقه یا نواحی جغرافیایی دست یافت (عزتی، ۱۳۸۹، ۲). در آستانه‌ی قرن بیست و یکم، در حال ورود به عصر جدیدی از تعامل بین ملت‌ها و اقتصاد هستیم. در این عصر، جهانی شدن، فرآیند مستمر همگرایی جهانی است (سید نورانی، ۱۳۸۱، ۲۲۰). امروزه روندهای جهانی به گونه‌ای است که الگوهای کنش‌های متقابل همواره در حال بازتولید بوده و این امر، ایجاد چارچوبی از محدودیت‌ها و

¹Walt

² Ernest Hass

³ Steven Spiegel

⁴ Louis Cantori

فرصت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد که کشورها و دولت‌ها باید خود را با آن سازگار کنند. ارزیابی علمی، تحویل و تبیین چالش‌ها، فرصت‌ها، آسیب‌ها و تهدیدها مبتنی بر نگرشی واقع بینانه ضرورتی انکارناپذیر است که هر کشور باید الگوی رفتاری خود را مبتنی بر آن تدوین و پیگیری کند (مصلی نژاد، ۳۹، ۱۳۹۱).

کشورهای پیرامونی ایران

ایران کنونی با ۱۵ کشور همسایه بوده (سهل آبادی، ۱۳۸، ۱۳۸۳) که با آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان درخزر (اخباری و نامی، ۱۳۸۹، ۱۶۱) و با عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان در خلیج فارس (پیشگاهی فرد، ۵۱، ۱۳۸۴) مرز آبی دارد و با کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکیه و ارمنستان (مؤسسه‌ی ابرار معاصر، ۱۶، ۱۳۸۶) دارای مرز خشکی می‌باشد. البته کشورهای عراق و آذربایجان و ترکمنستان علاوه بر مرز آبی، مرز خشکی هم با ایران دارند.

عوامل مؤثر بر همگرایی ایران

۱- عامل فضای سرزمینی ایران

قلمرو و فضای جغرافیایی کشور ایران هم به لحاظ طبیعی و هم به لحاظ انسانی و فرهنگی هویت خاصی دارد (حافظ نیا، ۱۴، ۱۳۸۷). این فضا بخشی از گستره‌ی فضایی فلات ایران می‌باشد که در طول تاریخ، مرزهای سیاسی در آن تغییرات زیادی داشته است. سرزمین ایران (فلات ایران) به عنوان عامل همگرایی و فصل مشترک ایرانیان، ویژگی‌های فراوانی دارد. موقعیت و ساختار طبیعی فضای ایران بر کنش متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی تأثیرات متفاوتی به جا گذاشته و بستر تعاملات اجتماعی و ارتباط میان اقوام مختلف و گروه‌ها را در گستره‌ی فلات ایران فراهم نموده است (همان، ۳۸ و ۳۹).

۲- موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک

تک تک ویژگی‌های جغرافیایی ایران بدان اعتباری ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بخشیده است. به لحاظ موقعیت جغرافیایی، ایران در هلال خصیب قرار گرفته که از شرق مدیترانه تا خلیج فارس و دریای عمان امتداد یافته و همچون کریدوری عملیاتی میان شرق مدیترانه و خلیج فارس و دریای عمان کشیده شده است (عزتی، ۹۷، ۱۳۸۸). فضای جغرافیایی ایران در محور شمال-جنوب، دو عرصه‌ی جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا و آسیا و اقیانوسیه، بویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد. از این رو، ایران در معرض تعاملات، استراتژی‌ها، جابجایی‌ها و پدیده‌هایی قرار دارد که به هر نحو با موقعیت ارتباطی ایران مرتبط باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۷، ۱۵) از طرفی، به دلیل جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود که پل میان دو انبار انرژی و برجسته‌ی دنیا، یعنی خلیج فارس و خزر و اوراسیاست نقش برجسته‌ای در منطقه دارد (واعظی، ۱۳۷۹، ۶۸). ایران در کانون ارتباطی و مواصلاتی اوراسیا واقع شده است. این گستره‌ی جغرافیایی برای پیوندهای جغرافیایی میانی و به عبارتی هارتلند هندسی اوراسیا با پهنه‌ی آب‌های آزاد و دنیای خارج، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است (محرابی و عابدینی، ۳۲، ۱۳۹۲). علاوه بر آن، تسلط بر سواحل وسیع خلیج فارس و تنگه و آبراه بین‌المللی چون هرمز، موقعیت استراتژیکی نه تنها در خاورمیانه بلکه در جهان ایفا می‌کند (Naji, 2013, 5).

۳- موقعیت ژئواکونومیک ایران

برخوردار از منابع غنی انرژی و بهره مندی از موقعیت ترانزیتی زمینی و آبی برای ایران فرصت‌های ژئواکونومیکی ویژه‌ای فراهم آورده است. ایران می‌تواند به مرکز فعالیت انرژی برای چین و روسیه و اتحادیه‌ی اروپا تبدیل شود. ایران آسانترین، کوتاه‌ترین و امن‌ترین مسیر برای انتقال انرژی آسیای مرکزی به خلیج فارس و اروپاست که بدین طریق، این منطقه را به جهان وصل می‌کند (عزتی، ۱۳۸۸، ۱۰۳). از طرفی، از لحاظ اقتصادی، ایران و کشورهای همجوار به عنوان مکمل اقتصادی یکدیگر هستند و در پاره‌ای از زمینه‌ها نیز به طور طبیعی جنبه‌های هم تکمیلی وجود دارد (امامی خویی، ۱۳۷۷، ۲۱۶-۲۲۰). ایران و کشورهای پیرامونی از نظر اقتصادی، تک محصولی بوده و به نوعی وابستگی غیرمتوازن دچار هستند. برای کاهش این وابستگی می‌توان از مبادلات کوچک اقتصادی پایدار و برنامه‌ریزی شده شروع کرد و پس از عبور از مرحله‌ی جلب اعتماد به همکاری‌های بزرگتر اقتصادی و احیاناً ایجاد مناطق تولید مشترک و یا مناطق تجاری آزاد مشترک دست زد (عزتی، ۱۳۸۴، ۳۹۰). وجود مرزهای مشترک آبی و زمینی، منابع مشترک، دستیابی به بازار منطقه و موقعیت منحصر به فرد ترانزیتی ایران از جمله مواردی هستند که همکاری و همگرایی بیشتر منطقه‌ای را ایجاب می‌نماید (زرقانی و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۵۶).

۴- ریشه‌ی تاریخی و فرهنگی مشترک

وجوه اشتراک تاریخی و فرهنگی میان ایران و کشورهای همجوارش کاملاً مشهود و محسوس است. بخش اعظم کشورهای همجوار با ایران در حوزه‌ی تمدنی اسلامی و بخش‌های قابل توجهی از آن در حوزه‌ی تمدنی ایرانی و پارسی قرار داشته، تحت تأثیر همین دو عامل یعنی اسلام و ایران از مشابهات فرهنگی بسیار برخوردارند (هرزیک، ۱۳۷۵، ۷۴). از لحاظ تاریخی، ایران، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و آذربایجان در برهه‌هایی بسیار طولانی، همگام و هم سرنوشت بوده‌اند. برخی از خصیصه‌های فرهنگی ایران از مرزهای سیاسی کشور عبور کرده و مناطق واقع در آنسوی مرز را فرا گرفته است. در صورتی که این وجوه مشترک فرهنگی تقویت شوند، نقش تعیین‌کننده و مؤثر در تحکیم همبستگی خواهند داشت (علیزاده، ۷۸، ۱۳۸۵).

۵- تقارب مذهبی

از آنجاکه اکثریت مردم ایران شیعه مذهب اند و در کشورهای همسایه نیز از پاکستان گرفته تا عراق و کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس شیعیان فراوانی زندگی می‌کنند، از این نظر بر تأثیرگذاری ایران افزوده است (حافظ نیا، ۱۱۵، ۱۳۹۰). در حال حاضر در بین کشورهای پیرامونی ایران، کشور عراق (۶۲/۵۰ درصد)، آذربایجان (۷۰ درصد) و بحرین (۶۱ درصد) دارای اکثریت اهل تشیع در ترکیب جمعیتی خود هستند. و پاکستان حدود ۲۰ درصد، افغانستان ۱۵ درصد و کویت ۳۰ درصد شیعه دارند (نصرتی، ۸۳، ۱۳۹۱).

۶- قومیت

تنوع قومی، یکی از ویژگی‌های شاخص ایران است (عالی و جمشید زاده، ۱۳۹۱، ۱۵۳). اهمیت همگرایی میان اقوامی که گستردگی جغرافیایی آن‌ها در آنسوی مرزهای ایران کشیده شده است، بنا به اهمیت جایگاه فرهنگ در هر کشور، می‌تواند بوجود آورنده‌ی زمینه‌هایی برای همگرایی بیشتر باشد. تقریباً تمام اقوام ایرانی دارای دنباله در آنسوی مرز

هستند. این امر می‌تواند فرصت مناسبی جهت نزدیکی و پیوند با اقوام آنسوی مرز و ایجاد همکاری و دوستی باشد (علیزاده، ۷۵، ۱۳۸۵). اقوام زیادی در ایران به زبان‌های ترکی، ترکمنی، کردی، عربی و بلوچی تکلم می‌کنند که از این منظر، آذربایجان و ترکمنستان در اوراسیای مرکزی با ترکیه، پاکستان، عراق و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و افغانستان دارای پیوند نزدیکی با ایران می‌باشند (هرسیج، ۲۳۵، ۱۳۸۸).

روش و مراحل تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و در چارچوب تحقیقات توصیفی-تحلیلی و پیمایشی و روش حل مسائل، تصمیم‌گیری چند معیاره (MCDM) است. جامعه مورد بررسی این پژوهش بخش جغرافیای سیاسی و مطالعات منطقه‌ای می‌باشد. از آنجایی که نمونه آماری برای حل مسائل تصمیم‌گیری باید خبرگان باشد بنابراین در این پژوهش از کارشناسان ارشد ژئوپلیتیک که در مورد موضوع پژوهش تجربه بالای ۲۰ سال و دارای مدرک تحصیلی مرتبط در مقاطع ارشد و دکتری هستند استفاده شد که گروه اول برای غربالگری و بومی سازی عوامل (SWOT) به تعداد ۳۰ نفر انتخاب و برای حل نهایی از ۱۰ نفر خبره استفاده شد. تکنیک یا ماتریس SWOT ابزاری برای تعیین راهبرد و ایجاد تصمیمات بزرگ در باب مسائل و موضوعات مختلف و مدلی برای شناخت تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی یک سیستم و بازشناسی ضعف‌ها و قوت‌های داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل آن است (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۴۴، ۱۳۸۸). روش گردآوری اطلاعات از پایگاه‌های اطلاعاتی و برای گردآوری داده‌ها از ۳ پرسشنامه برای غربالگری، وزن دهی و رتبه بندی استفاده شد. روایی پرسشنامه از طریق متخصصین امر و به صورت صوری و غربالگری با روش دلفی تأیید شد. در این پژوهش از روش فرآیند تحلیل شبکه‌ای برای وزن دهی عوامل SWOT و از روش TOPSIS برای رتبه بندی استراتژی‌ها استفاده شد. روش^۱ (ANP) یک تئوری ریاضی است که به طور سیستماتیک می‌تواند با وابستگی میان عوامل، وزن‌ها را محاسبه کند (Yuksel&Dagdeviren, 2007, 50; Delen et al, 2012, 18).

روش TOPSIS یک روش برای رتبه‌بندی گزینه‌ها می‌باشد که از مقادیر دقیق و معین استفاده می‌کند (Chen, 2000). شایان ذکر است که تشریح روش‌های فوق به طور کامل در منابع آمده است.

تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

موانع همگرایی ایران با کشورهای پیرامونی در قرن بیست و یکم

با وجود عوامل تسهیل‌کننده و مؤثر جهت ایجاد همگرایی، با توجه به تحولات و واقعیات منطقه‌ای و جهانی و ماهیت و حاسیت آن‌ها، مسائلی پیشروی ایران به عنوان چالش‌ها و عوامل بازدارنده‌ی همگرایی با کشورهای پیرامونی خود در شرایط کنونی و دهه‌های آغازین قرن بیست و یکم مطرح می‌باشند که در نقش ابعاد مسأله‌ی تحقیق حاضر، به طور کلی در چهار دسته قابل بررسی هستند:

¹ Analytical Network Process

۱- موانع سیاسی

سیستم حکومتی ایران و کشورهای همجوارش از نوع تک ساخت و تمرکز گراست. تمرکز قدرت در رأس نظام سیاسی و عدم توزیع متوازن قدرت سیاسی و اجرایی در واحدهای جغرافیایی کشورها، ضمن سلب قدرت تصمیم‌گیری و دخالت در امور سیاسی و امنیتی از طرفی و بعضاً عدم همسویی رهبران سیاسی در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و یکجانبه‌گرایی برخی از آن‌ها از طرف دیگر، موجب نوعی عدم احساس وابستگی مشترک و همیاری بین ملت‌ها و دولت‌های منطقه شده است. گرایش به ذهنیت معطوف به توطئه، بخصوص در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل، یکی از ویژگی‌های اصلی چشم انداز سیاسی ایران است. مادام که جامعه‌ی ایرانی به طور کلی و سایر جوامع اطراف آن به نوعی درک عمیق‌تر از باز بودن و آگاهی بیشتر نسبت به عملکرد سایر دولت‌ها نرسیده‌اند و آگاهی لازم برای کنار گذاشتن نظریه‌ی توطئه به عنوان ویژگی اصلی سیاست بین‌الملل را پیدا نکرده‌اند، چنین ذهنیتی از ریشه تغییر نخواهد کرد. کاهش پدیده‌ی مداخله‌ی قدرت بزرگ نیز یکی از پیش‌نیازهای مهم تضعیف ذهنیت توطئه است (فولر، ۲۶، ۱۳۷۳). نتیجه‌ی چنین سیاست‌های ناهمگون، امروز در تحولات خاورمیانه مشهود است که پیامدهای آن در مسائل سوریه، فلسطین، لبنان، یمن، حوزه‌ی خزر و... بروز و نمود پیدا کرده است. از سوی دیگر، موضوعات استراتژیک حاصل از این سوء‌ذن‌ها و سیاست‌های نادرست، موجب بروز مسابقه‌ی تسلیحاتی در منطقه شده است. منطقه‌ای که مخالفت‌های سیاسی موجود در آن به تداوم مسابقه‌ی تسلیحاتی منجر شده، بویژه هراس کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از برتری قدرت نظامی ایران، آن‌ها را به خرید تسلیحات نظامی گسترده از کشورهای غربی الی‌الخصوص ایالات متحده واداشته است (پیشگاهی فرد و دیگران، ۴۹۷، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، نوپایی اکثر کشورهای همجوار (بجز روسیه و ترکیه)، زمینه‌ی نداشتن بلوغ سیاسی و نوعی وابستگی به قدرت‌های دیگر را برای آن‌ها فراهم آورده است. همچنین، کمتر توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی اغلب این کشورها و اینکه در حال تجربه مراحل نخستین دموکراسی بوده و شهروندان آن‌ها حقوق سیاسی اندکی دارند بر ناپایداری آن‌ها افزوده و به همان نسبت، عدم استقلال سیاسی و تعدد دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی را فراهم آورده است (کریمی پور، ۱۳۷۹، ۲۸ و ۲۹).

۲- تعارضات ایدئولوژیک

سیاست‌های منطقه‌ای ایران همواره تحت تأثیر عنصر ایدئولوژی بوده (حشمت زاده، ۱۳۸۷، ۱۲۱) و فهم انقلاب اسلامی بدون شناخت ایدئولوژی تشیع میسر نخواهد بود (احمدی، ۱۳۹۰، ۱۲۸). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایران سیاست جدید و ویژه‌ای را در پیش گرفت. ایران داعیه‌ی رهبری جهانی انقلاب اسلامی در مبارزه با استکبار جهانی را داشت و می‌خواست این مبارزه را در هیأت یک اتحادیه‌ی شیعی علم کند. هر چند جمهوری اسلامی ایران خواستار وحدت همه‌ی مسلمانان جهان برای حمایت مستضعفان و مبارزه با مستکبران بود اما در عمل به علت برخوردهای شدیدی که بین سیاست خارجی ایران با کشورهای عرب که غالباً انقلاب اسلامی را یک تهدید ایدئولوژیکی تلقی می‌کنند ایجاد شد و جهت‌گیری آرمان‌های انقلاب اسلامی به سمت یک اتحادیه‌ی شیعی مسجل گردید (توآل، ۱۳۷۹، ۱۸). این مسأله در مقابل ادعای عربستان سعودی که خود را داعیه دار حرمین و وارث واقعی

تمدن اسلامی می‌دانست قرار گرفت. در چند دهه گذشته، همواره نگرش‌های منفی در میان کشورهای عرب خلیج فارس نسبت به ایران وجود داشته که تحت سیطره‌ی مباحثات تقابلی ایدئولوژیکی چون عرب-عجم و شیعه-سنی قرار گرفته است. به گونه‌ای که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را در تقابل با ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران قرار داد (روحی دهبنه، ۹۷، ۱۳۹۱). می‌توان گفت عمدتاً اسلام در این مجموعه به جای اینکه عامل وحدت و همگرایی باشد بیشتر عامل تفرقه و واگرایی خواهد بود، چراکه اولاً تلقی‌های گوناگونی از مذاهب اسلامی، حداقل از منظر حکومتی وجود دارد. به عنوان نمونه، حکومت وهابی سعودی نمی‌تواند حکومتی شیعی در ایران را باتوجه به شرایط فعلی تحمل کند. ثانیاً تضاد نگرش‌های مذهبی و سکولار است. اغلب رژیم‌های سیاسی منطقه، روش سکولار را برای حکومت انتخاب کرده‌اند و مدل نظام ایرانی را برای امنیت و ثبات سیاسی خود خطرناک قلمداد می‌کنند (سیمبر، ۱۲۳، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، هشدار ملک عبدالله در ۲۰۰۴ برای تهدید هلال شیعی، دولت‌های محافظه کار عرب را به ورود در یک اتحاد با اسرائیل و ایالات متحده در طرحی جهت کنترل ایران و اسلام گراها سوق داد (Andersen, 2007, 75). تقابل اسلام شیعی و نیز اسلام انقلابی با اسلام سنی ارائه شده در چارچوب نظام‌های سکولار آسیای مرکزی و قفقاز را باید یکی از مهمترین عوامل واگرایی ایران با کشورهای این منطقه به شمار آورد (علویان، ۱۳۸۸، ۶۴). به عنوان مثال، ترکمن‌ها یک حکومت مبتنی بر اندیشه‌های پان ترکیسم و ایده‌ی حکومتی لائیک ایجاد کرده‌اند (نوروزی، ۱۳۷۹، ۱۳۱). از سوی دیگر هویت لائیک نظام سیاسی آذربایجان و گرایش آن به ملی‌گرایی و غربگرایی، به همراه سیاست‌های خارجی آن می‌تواند نگرانی‌هایی را در خصوص منافع ملی ایران بوجود آورد.

۳- تنش‌های جغرافیایی

فضای جغرافیایی کشور ایران در بر دارنده‌ی زمینه‌هایی از تنش‌هاست که به شکل اختلافات ارضی و مرزی بروز پیدا نموده‌اند. مرزهای سیاسی ایران به علت وقوع مسائل سیاسی و بین‌المللی تحت تأثیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای قرار گرفته‌اند (اخباری و نامی، ۷۰، ۱۳۸۹). در محدوده‌ی مرزهای دریایی، وجود مرزهای تعریف نشده بابرخی همسایگان در خلیج فارس و دریای خزر و نیز اختلاف در برخی رودخانه‌های مرزی، همچنان به صورت چالش‌های جدی در برابر ایران خودنمایی می‌کند. از بین این مرزها، ایران بحرانی ترین شرایط را در مرز با عراق و سپس امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه گانه دارد. اختلافات سرزمینی در میان تمامی هشت کشور حاشیه خلیج فارس وجود دارد اما موضوع دعاوی کشور امارات در قبال جزایر سه گانه ایرانی به یکی از جنجال برانگیزترین این اختلافات تبدیل شده است. بحث رژیم حقوقی دریای خزر هم که با فروپاشی شوروی مطرح شده به علت عدم هماهنگی کشورهای ساحلی سبب گردیده تا زمان حاضر، دستیابی به یک رژیم حقوقی جامع در مورد دریای خزر ناممکن گردد. در حقیقت از آنجاییکه موضوع اختلاف کشورهای ساحلی کنترل و تصرف یک یا چند عامل جغرافیایی در این دریا می‌باشد، این مسأله سبب گردیده که این اختلاف بصورت یک مناقشه پایدار در سطح منطقه باقی بماند (حافظ نیا، ۱۲۸، ۱۳۹۰). یکی دیگر از زمینه‌های تنش ایران بابرخی کشورهای همجوار می‌تواند بحث هیدروپلیتیک رودخانه‌های مرزی باشد که هر چند در حال حاضر چندان حاد به نظر نمی‌آید اما باتوجه به مسائل آب در آینده از اهمیت برخوردارند. ایران در ۵۳ درصد رودخانه‌های مرزی، موقعیت بالادست و در ۴۷ درصد، موقعیت پایین دست

دارد. بنابراین، باید راهبرد واحد و هماهنگی در قبال رودخانه‌های مرزی اتخاذ گردد. اختلاف ایران و افغانستان در مورد تقسیم آب هیرمند یک نمونه از این مسائل است که می‌توان از آن به عنوان یکی از منابع بروز تنش میان دو کشور نام برد. با وجود مذاکرات مختلف که آخرین آن باروی کارآمدن حامد کرزای انجام شد به نظر می‌رسد دو کشور هنوز نتوانسته‌اند به راه حل مناسبی برای این مسأله دست یابند. در مجموع، هیرمند و حقایق آن همچنان در روابط دو کشور، یک عامل مشاجره پایدار باقی مانده است (احمدی دهکاء و محمد سلیمی، ۱۰، ۱۳۹۲).

۴- رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در خاورمیانه، کشورهای عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل با توجه به داشتن عوامل ژئوپلیتیکی ویژه به عنوان قدرت منطقه‌ای محسوب می‌گردند. عربستان سعودی در میان قدرت‌های بزرگ خلیج فارس به عنوان یکی از رقبای تمام عیار ایران، از بابت گسترش دموکراسی در منطقه بیمناک است و همواره از نیروهای اسلامی بنیادگرای سنی به عنوان وزنه‌ای علیه ایران استفاده می‌کند (فولر، ۱۳۸، ۱۳۷۳). حکومت سعودی با توجه به قرابت مذهبی شیعیان عربستان با ایران و تأثیرات گسترده‌ای که از انقلاب اسلامی گرفته‌اند حساسیت زیادی نسبت به ایران دارد (محمدی، ۱۳۸۵، ۱۵۴). عربستان با حمایت از معارضین سوری و ایفای نقش فعال در کنترل و هدایت بحران سوریه سعی دارد جایگاه خود را در این کشور ارتقاء دهد و با اعمال نفوذ در میان جمعیت سنی و بویژه سلفی‌ها به آنان کمک کند تا قدرت را در این کشور به دست گیرند. عربستان بشدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به خصوص در میان شیعیان است. با توجه به این مسأله، سیاست خارجی عربستان در قبال ایران در صحنه عراق، لبنان، فلسطین، بحرین و یمن به مثابه تخته شطرنج رقابت استراتژیک-ایدئولوژیک میان ایران و عربستان تبدیل شده است (Altamini, 2012, 8). پس از فروپاشی شوروی، تلاش ایران و ترکیه در ایجاد نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه‌ی قفقاز و آسیای مرکزی زمینه‌ی رقابت را بین شان فراهم نمود (Perthes, 2010, 105). بابه قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ نقش آفرینی ترکیه در منطقه خاورمیانه و توجه به کشورهای عربی بیشتر شد (Hale, 2006, 160). در جریان بهار عربی، ترکیه و ایران، هر کدام در رابطه با ارائه‌ی مدل مدنظر خود و هدایت جریانات سعی در الگو بودن و اثرگذاری بر تحولات را داشته که باعث رقابت بین آن‌ها شد (واعظ و وزیر، ۱۲۶، ۱۳۹۱). بطور کلی توجه سیاست خارجی ترکیه به مناطق پیرامونش ریشه در دغدغه‌های این کشور مانند امکان ظهور یک دولت کرد در منطقه، افزایش فشار بر ایران و سوریه و احتمال بروز یک منازعه‌ی جدید و تغییرات ایجاد شده در روند صلح خاورمیانه دارد که زمینه را برای درگیر شدن هر چه بیشتر ترکیه در سیاست‌های مناطق پیرامونی اش خصوصاً خاورمیانه فراهم آورده است (رضایی و ابهر، ۴۶، ۱۳۹۲). بحث انتقال انرژی منطقه‌ی خزر و مسیرهای مطرح برای انتقال این منابع نیز باعث گردیده تا این موضوع به یکی از موارد رقابت برای طرف‌های مختلف منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای تبدیل شود (قبادزاده، ۱۰۸، ۱۳۸۳). در سال‌های اخیر، اسرائیل روابط بسیار نزدیکی با ترکیه و تمامی کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی برقرار ساخته است. اسرائیل با هدف محاصره‌ی ایران، یک توافقنامه‌ی نظامی - امنیتی در سال ۱۹۹۶ با آنکارا جهت استقرار تجهیزات الکترونیکی در مرزهای خود با ایران امضاء نمود (روشندل، ۱۲۱، ۱۳۷۷). همچنین نزدیکی آذربایجان به اسرائیل و حضور سرویس‌های امنیتی اسرائیل در این کشور و سرمایه‌گذاری اقتصادی در آن، برای ایران قابل تأمل است. نفوذ قدرت‌های برون منطقه‌ای نیز به عنوان سیستم تأثیرگذار تأثیر زیادی بر روند همگرایی منطقه‌ای دارد (شکوری، ۵۲،

(۱۳۹۱). پس از انقلاب ایران و باتیره شدن روابط ایران و ایالات متحده، سیاست دو ستونه درقبال ایران به سیاست مهار تبدیل و از اینرو توجه ایالات متحده به کشورهای همجوار ایران بیشتر شد. بویژه پس از فروپاشی شوروی به مرزهای شمالی ایران توجه ویژه‌ای مبذول داشت (Brzeinski, 1997, 20). ایالات متحده بویژه پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، باتقویت حضور خود در منطقه درصدد جلوگیری از هرگونه اتحاد منطقه‌ای بوده است. ایران نیز در منطقه، همواره منافع ایالات متحده را به چالش کشیده است (رمضانی لشکریانی، ۱۱۷، ۱۳۸۹). در دهه اخیر از نظر گستره‌ی حضور، آمریکا سهمی بیشتر از دیگر قدرت‌ها در خلیج فارس داشته است. اهداف و منافع راهبردی آمریکادر خلیج فارس را می‌توان: نفت، امنیت انرژی، مقابله بانفوذ رقبا و تسلط کامل بر منطقه و سیاست حذف مخالفان منطقه‌ای دانست. از سوی دیگر، روسیه و چین در سیاست بین الملل در پی موازنه‌سازی در برابر ایالات متحده در خلیج فارس و جلوگیری از دستیابی این کشور به جایگاه هژمون در منطقه می‌باشند. اروپا نیز به دلیل وابستگی به نفت و گاز منطقه و دسترسی به بازارهای آن نسبت به نقش آمریکا در صورت لزوم واکنش نشان می‌دهد (اکبرپور و عابدینی، ۶۶۹، ۱۳۸۸). این رقابت‌ها به تعدد جهت‌گیری‌ها و قرار گرفتن در بلوک‌های متفاوت و چنددستگی در بین کشورهای منطقه انجامیده است.

پس از بررسی ابعاد مسأله‌ی تحقق، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید ایران برای همگرایی با کشورهای پیرامونی، طی جلسات طوفان فکری با خبرگان جامعه‌ی آماری، جهت تدوین استراتژی‌های مناسب مشخص شد. این اطلاعات در ماتریس SWOT در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ماتریس SWOT

نقاط ضعف (W)		نقاط قوت (S)	
۱. عدم تمرکز بر تقدم و تاخیر در توسعه‌ی روابط سیاسی مستحکم و برنامه ریزی شده مبتنی بر واقعیات زمانی در خصوص همسایگان (W ₁)	۱. اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی ایران در بین مناطق پیرامونی (S ₁)	عوامل درونی	عوامل بیرونی
۲. نبود استراتژی‌های مدون در خصوص همگرایی و همکاری پایدار با کلیه کشورهای پیرامونی (W ₂)	۲. پیوستگی و اتصال جغرافیایی (خشکی و آبی) ایران با کشورهای پیرامونی (S ₂)		
۳. انفعال و آسیب پذیری اقتصاد و صنعت ایران از عوامل بیرونی (W ₃)	۳. برخورداری ایران و اکثر کشورهای پیرامونی از ذخایر غنی انرژی و داشتن زمینه‌های همکاری با این کشورها در این بخش (S ₃)		
۴. تسلط دیدگاه ایدئولوژیک در سیاست خارجی و منطقه گرایی ایران (W ₄)	۴. وجود پتانسیل‌ها و زیرساخت‌های بالقوه جغرافیایی توسعه و همگرایی در فضای سرزمینی ایران (S ₄)		
استراتژی WO	استراتژی SO	فرصت‌ها (O)	
۱. انعطاف سیاسی و عقلایی مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز (WO ₁)	۱. تقویت پیوندهای دینی فرهنگی با تأکید بر عناصر هویتی (SO ₁)	۱. دسترسی آسان ایران به حوزه‌های مصرف و مسیرهای ترانزیت انرژی و کالا (O ₁)	
۲. تدوین برنامه جامع مشترک همکاری سیاسی- اجتماعی (WO ₂)	۲. ایجاد پیوندهای ژئواکونومیک (SO ₂)	۲. قرابت فرهنگی و پیشینه‌ی تاریخی مشترک ایران با اکثر کشورهای پیرامونی (O ₂)	
		۳. وجود درصد قابل توجهی از اهل تشیع در کشورهای پیرامون ایران (O ₃)	
		۴. پراکندگی جغرافیایی اقوام مختلف ایرانی در آن سوی مرزهای سیاسی ایران (O ₄)	
		۵. وجود هم تکمیلی در بخش‌های مختلف از جمله اقتصاد در کشورهای پیرامونی با ایران (O ₅)	

O ₁	۰.۴	۱.۰	۱.۰	۰.۳	۰.۸	۰.۳	۰.۴	۰.۵	۰.۸	۰.۳	۰.۷	۰.۸	۰.۴	۰.۸	۰.۴
O ₂	۰.۶	۰.۶	۰.۷	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۸	۰.۶	۰.۵	۰.۷	۰.۶
O ₃	۰.۴	۰.۵	۰.۷	۰.۸	۰.۵	۰.۲	۰.۶	۰.۷	۰.۹	۰.۶	۰.۵	۰.۸	۰.۷	۰.۵	۰.۴
O ₄	۰.۴	۰.۹	۰.۸	۰.۴	۰.۳	۰.۴	۰.۴	۰.۷	۰.۳	۰.۷	۰.۷	۰.۴	۰.۸	۰.۹	۰.۴
O ₅	۰.۴	۱.۰	۱.۰	۰.۳	۰.۵	۰.۳	۰.۴	۰.۸	۰.۳	۰.۶	۰.۸	۰.۴	۰.۸	۱.۰	۰.۴
T ₁	۰.۴	۱.۰	۰.۸	۰.۴	۰.۲	۰.۳	۰.۳	۰.۶	۰.۳	۰.۷	۱.۰	۰.۴	۰.۸	۱.۰	۰.۴
T ₂	۰.۴	۱.۱	۰.۶	۰.۵	۰.۲	۰.۴	۰.۴	۰.۷	۰.۳	۰.۸	۰.۸	۰.۴	۰.۶	۱.۱	۰.۴
T ₃	۰.۴	۱.۱	۰.۶	۰.۵	۰.۳	۰.۵	۱.۰	۰.۸	۰.۳	۰.۷	۰.۷	۰.۴	۰.۶	۱.۱	۰.۴

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه سوپرماتریس موزون بر اساس گام‌های ANP در توان ۸ همگرا شده و سوپرماتریس حیدار به دست آمد. در نهایت بر اساس سوپرماتریس حیدار، وزن عوامل SWOT به دست آمد که به دلیل زیاد بودن محاسبات و محدودیت صفحات تنها به وزن و اولویت عوامل SWOT بسنده کرده که نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. وزن و اولویت عوامل SWOT

وزن و اولویت نهایی	وزن و اولویت نسبی	زیرعوامل	وزن و اولویت عوامل
(۱۲) ۰.۴۵	(۳) ۱.۸۳	S1	۲۴۶.۰
(۲) ۰.۸۷	(۱) ۳.۵۴	S2	(۲)
(۸) ۰.۷	(۲) ۲.۸۵	S3	(۳)
(۱۳) ۰.۴۴	(۴) ۱.۷۸	S4	(۴)
(۷) ۰.۷۱	(۲) ۲.۹	W1	۲۴۵.۰
(۵) ۰.۷۲	(۱) ۲.۹۳	W2	(۴)
(۱۵) ۰.۳۷	(۴) ۱.۵۲	W3	(۱)
(۹) ۰.۶۵	(۳) ۲.۶۴	W4	(۲)
(۴) ۰.۷۳	(۱) ۲.۹۷	O1	۲۴۵.۰
(۱) ۰.۴۸	(۳) ۱.۹۶	O2	(۳)
(۱۶) ۰.۳۱	(۵) ۱.۶۶	O3	(۱)
(۱۰) ۰.۵۴	(۲) ۲.۱۸	O4	(۲)
(۱۴) ۰.۴	(۴) ۱.۶۳	O5	(۳)
(۱) ۱.۰۴	(۱) ۳.۹۵	T1	۲۶۴.۰
(۳) ۰.۸۲	(۲) ۳.۱۱	T2	(۱)
(۶) ۰.۷۷	(۳) ۲.۹۳	T3	(۲)

منبع: یافته‌های پژوهش

سپس ۸ استراتژی که تعریف شده بودند با استفاده از روش TOPSIS رتبه‌بندی شدند. برای ارزیابی و رتبه‌بندی استراتژی‌ها از خبرگان خواسته شد تا میزان اهمیت هر یک از عوامل SWOT را در انتخاب استراتژی با واژه‌های خیلی خوب (۹)، خوب (۷)، متوسط (۵)، ضعیف (۳)، و خیلی ضعیف (۱) مشخص کنند. سپس نظرات متمایز کارشناسان تجمیع شده و ماتریس تصمیم‌گیری تشکیل گردید. در ادامه، با استفاده از روش TOPSIS شاخص‌های شباهت برای هر یک از استراتژی‌ها محاسبه شده و رتبه‌بندی انجام شد که نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. رتبه بندی استراتژی‌ها با روش SWOT

رتبه بندی استراتژی‌ها	شاخص شباهت	فاصله از حل ضد ایده آل	فاصله از اختصار حل ایده آل	استراتژی‌ها
۵	۳۳۳.۰	۳۴۷.۰	۵۸۲.۰	تقویت پیوندهای دینی فرهنگی با تأکید بر عناصر هویتی
۱	۵۱۷.۰	۴۷۵.۰	۴۴۴.۰	ایجاد پیوندهای ژئواکونومیک
۳	۴۲۷.۰	۴۰۱.۰	۵۳۸.۰	اتخاذ رهیافت چندجانبه گرایی
۸	۲۶۵.۰	۲۳۹.۰	۶۶۱.۰	اتلاف نظامی-امنیتی
۴	۳۹۰.۰	۲۰۴.۰	۳۱۹.۰	انعطاف سیاسی عقلایی مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز
۷	۲۷۴.۰	۱۰۹.۰	۲۸۹.۰	تدوین برنامه جامع مشترک همکاری سیاسی-اجتماعی
۲	۴۵۰.۰	۱۷۹.۰	۲۱۹.۰	دیپلماسی فعال اعتماد ساز
۶	۳۵۰.۰	۱۳۷.۰	۲۵۳.۰	برنامه ریزی مشارکتی توسعه پایدار منطقه‌ای پژوهش محور

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول ۴، استراتژی "ایجاد پیوندهای ژئواکونومیک" (SO₂) رتبه اول را کسب کرد.

نتیجه گیری

به منظور ارائه‌ی یک برنامه‌ی استراتژیک جهت ایجاد زمینه‌های همگرایی ایران با کشورهای پیرامونی، ضمن بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید پیش روی ایران در خصوص ایجاد همگرایی، مشخص شد که مهمترین نقطه قوت ایران در زمینه همگرایی، (پیوستگی و اتصال جغرافیایی (خشکی و آبی) ایران با کشورهای پیرامونی (S₂)) با وزن ۰/۳۵۴، مهمترین نقطه ضعف، (نبود استراتژی‌های مدون در خصوص همگرایی و همکاری پایدار با کلیه کشورهای پیرامونی (W₂)) با وزن ۰/۲۹۳، مهمترین فرصت، (دسترسی آسان ایران به حوزه‌های مصرف و مسیرهای ترانزیت انرژی و کالا (O₁)) با وزن ۰/۲۹۷ و مهمترین تهدید نیز (حضور و مداخله‌ی رقبا منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران در حوزه‌های پیرامونی (T₁)) با وزن ۰/۳۹۵ می‌باشد. با نظر مصاحبه‌شوندگان و تعیین وزن و اهمیت استراتژی‌های تدوین شده، استراتژی SO₂ (ایجاد پیوندهای ژئواکونومیک) در رتبه اول قرار گرفت. از آنجایی که قرن بیست و یکم، عصر ژئواکونومی نام گرفته، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در رابطه با بهره‌گیری از توان‌های ژئواکونومیک کشورها و مناطق، یک اصل می‌باشد. چرا که استراتژیست‌ها معتقدند نقش ژئواکونومی، علاوه بر توسعه‌ی اقتصادی، در زمینه‌های سیاسی نیز به لحاظ تضمین صلح و ثبات و حل و فصل مناقشات اهمیت انکار ناپذیری دارد. ایجاد پیوندهای ژئواکونومیک با کشورهای پیرامونی علاوه بر بهره‌گیری از نقاط قوت جهت تقویت فرصت‌ها، موجبات امنیت پایدار را فراهم خواهد آورد. این استراتژی در دو مرحله قابل اجراست: گام اول تلاش برای جلب اعتماد و همکاری در فعالیت‌های خرد و گام دوم، گسترش فعالیت‌های کلان در سایه‌ی سازه‌ها و سازمان همکاری. این استراتژی با تأکید بر برنامه‌ریزی کلان بلند مدت در بخش‌های مختلف همراه با توسعه‌ی زیر ساخت‌های اقتصادی زمینه‌ی مناسبی جهت همگرایی ایجاد خواهد نمود. استراتژی WT₁ (دیپلماسی فعال اعتماد ساز) جهت نزدیکی بیشتر و ایجاد همسویی و همدلی با کشورهای مذکور به عنوان استراتژی دوم تعیین شده و در خصوص حل تعارضات و اختلافات پیش رو، استراتژی ST₁ (اتخاذ رهیافت چندجانبه گرایی) در رتبه سوم و استراتژی WO₁ (انعطاف سیاسی عقلایی مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز) در رتبه چهارم قرار گرفت. همچنین استراتژی‌های SO₁ (تقویت پیوندهای دینی فرهنگی با تأکید بر عناصر هویتی)، استراتژی WT₂ (برنامه‌ریزی مشارکتی توسعه پایدار منطقه‌ای پژوهش محور

محور)، استراتژی WO_2 (تدوین برنامه جامع مشترک همکاری سیاسی-اجتماعی) و استراتژی ST_2 (انتلاف نظامی-امنیتی) به ترتیب در رتبه‌های پنجم تا هشتم به لحاظ میزان امتیاز قرار گرفتند. بنابراین، استراتژی‌های ارائه شده، در صورت اتخاذ سیاست‌های درست و هماهنگ، با هدف تأمین منافع ایران و طرف‌های مقابل، به عنوان زمینه‌ای جهت ایجاد همگرایی پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی والهام ایزدفر (۱۳۸۸) تحلیلی بر مکانیابی فرودگاه بین‌المللی شهید بهشتی اصفهان با استفاده از الگوی راهبردی SWOT، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۳
- اتوتایل، ژناروید و سیمون دالبی و پاول روتلج (۱۳۸۷) اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم
- احمدی، سیدعباس (۱۳۹۰) ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران
- احمدی دهکاء، فریبرز و رقیه محمد سلیمی (۱۳۹۲) هیدروپلیتیک و تأثیر آن در چشم انداز روابط کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی: رودخانه هیرمند)، اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، ۱۸ مهر، دانشگاه پیام نور طالقان
- اخباری، محمد و محمدحسن نامی (۱۳۸۹) جغرافیای مرزبنا تأکید بر مرزهای ایران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، چاپ دوم
- اکبرپور، محمد و اصغر عابدینی (۱۳۸۸) نقش ایران و عربستان در تأمین ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، انتشارات گیتاشناسی، صص ۲۶۰-۲۷۶
- امامی خوبی، ارسطو (۱۳۷۷) صادرات و بخش صنعت در ایران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۰-۱۲۹
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاهای ایران، انتشارات دانشگاه تهران
- پیشگاهی فرد، زهرا و محمدعلی رحمانی (۱۳۹۰) قلمرو و خواهی ایران و آمریکا در خاورمیانه، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران
- پیشگاهی فرد، زهرا و طهمورث حیدری موصلو و حسین بقایی (۱۳۹۲) چالش‌های پیش روی ایران در منطقه خلیج فارس؛ بعد از حمله آمریکا به عراق (از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، ۱۸ مهر، دانشگاه پیام نور طالقان
- توآل، فرانسوا (۱۳۷۹) ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه علیرضا قاسم آقا، نشر آمن
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی (وابسته به پژوهشکده امیرکبیر جهان)، مشهد
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷) جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۷) تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، انتشارات سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۶) نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، جلد اول، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، انتشارات قومس
- رضایی، حسین و فاطمه ابهر (۱۳۹۲) بررسی روابط ایران و ترکیه، همگرایی منطقه‌ای در خلال سال‌های (۲۰۱۰-۲۰۰۲)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، ۱۸ مهر، دانشگاه پیام نور طالقان

رضانی لشکریانی، صادق (۱۳۸۹) نقش ژئوپلیتیک جزایر خلیج فارس در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

روحی دهبه، مجید (۱۳۹۱) تبیین سازه انگارانه از علل واگرایی ایران و شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه روابط خارجی، سال چهاردهم، شماره ۱، صص ۷۹-۱۱۲

روشندل، جلیل (۱۳۷۷) پیمان امنیتی، نظامی ترکیه و اسرائیل، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۱۴، صص ۱۳۱-۱۱۷
زرقانی، سید هادی و راحله احمدی و سیده زهرا موسوی (۱۳۸۹) مقایسه تطبیقی فعالیت‌های اقتصادی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی، مجموعه مقالات دومین همایش بازنگری روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی، ۴ و ۵ آبان، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۷۶-۱۵۴

سیدنورانی، محمدرضا (۱۳۸۱) جهانی شدن و محیط زیست، تهران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۸۶-۱۸۳
سیف زاده، سیدحسین (۱۳۷۶) نظریه پردازی در روابط بین الملل-مبانی و قالب‌های فکری، انتشارات سمت، تهران
سیمبر، رضا (۱۳۸۸) ایران و منطقه گرابی در آسیای جنوب غربی: راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی ایران، دوفصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری، شماره پنجم، صص ۱۲۸-۱۱۳
سهل آبادی، محمدحسین و محسن سهل آبادی (۱۳۸۳) دانستنی‌های انتظامی-اجتماعی، تهران، انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، چاپ دوم

شکوری، چنگیز (۱۳۹۱) اقوام قفقاز جنوبی و نقش آن‌ها در همگرایی و واگرایی منطقه‌ای، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی، ۳ و ۴ خرداد، رشت، صص ۶۵-۵۰
عالی، عبدالقادر و کامل جمشیدزاده (۱۳۹۱) تحلیل ژئوپلیتیکی قومیت در ایران (مطالعه موردی: استان ایلام)، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی، ۳ و ۴ خرداد، رشت، صص ۱۶۲-۱۵۱

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸) جغرافیای استراتژیک ایران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، جلد اول
عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۹) جغرافیای استراتژیک ایران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، جلد دوم
عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۴) تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، انتشارات وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، چاپ دوم

علیزاده، عمران (۱۳۸۵) تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی بر همگرایی‌های منطقه‌ای با محوریت جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

فولر، گراهام (۱۳۷۳) قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز
قبادزاده، ناصر (۱۳۸۳) خزر، رژیم حقوقی و مواضع کشورهای ساحلی و نقش آمریکا در منطقه در گفتگو با کارشناسان، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹) مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم تهران
کولایی، الهه (۱۳۷۹) اکو و همگرایی منطقه‌ای، انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران
مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱) جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت، تهران
محمدی، منوچهر (۱۳۸۵) بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران

محرابی، علیرضا و امیرعلی عابدینی (۱۳۹۲) همگرایی ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و جنوب غرب آسیا (تأکید بر ساخت سازه ژئوپلیتیک جدید با محوریت ایران) مجموعه مقالات اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، ۱۸ مهر، دانشگاه پیام نور طالقان

مصطفی نژاد، عباس (۱۳۹۱) پیامدهای بی ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره سوم موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر (۱۳۸۶) مرزهای ایران، تهران، تدوین و انتشار: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر

نصرتی، شهریار (۱۳۹۱) نقش کشورهای مسلمان حوزه مدیترانه در گسترش علایق منطقه‌ای ج.ا. ایران (مطالعه موردی: لبنان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

نورانی، عسگر (۱۳۹۲) همگرایی ایران و مصر در خاورمیانه جدید، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

هرزیک، ادموند (۱۳۷۵) ایران و حوزه‌ی جنوبی شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشام، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

هرسیج، حسین (۱۳۸۸) ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۲۶۹-۲۲۵
واعظی، نفیسه و بهروز وزیری (۱۳۹۱) بررسی تأثیر عامل ژئوپلیتیک انرژی بر روابط ایران و ترکیه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی، ۴ و ۳ خرداد، رشت، صص ۱۳۵-۱۱۹

واعظی، محمود (۱۳۷۹) میانجی‌گری در آسیای مرکزی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه

Altamini, Naser (2012) China-Saudi Arabia Relations, June, The Middle East and Persian Gulf study group.

Andersen, Lars Erslev (2007) Postscript after Lebanon, A new Cold War in the Middle East, in Andersen: Innocence Lost. Islamism and the battle over values and World order, Odense University Press of Southern Denmark.

Brzeinski, Zbigniew (1997) Differentiated Containment, foreign affairs, vol; 76

Chen, Chen-Tung (2000), Extensions of the TOPSIS for group decision-making under fuzzy environment. Fuzzy Sets and Systems, Vol. 114, PP. 1-9

Cotori, Louis and Steven Spiegel (1970) The International politics of Region: A comparative Approach, New Jersey: Prentice Hall.

Dennis, David. J & Yusof Zainal Aznam (2003) Developing Indicators of ASEAN Integration-A preliminary survey for Roadmap, Metropolitan Books Press.

Delen, D., Turkyilmaz, A., Torlak, G., Uysal, O., Ozteki, A., Sevl, M. (2012), Development of a fuzzy ANP based SWOT analysis for the airline industry in Turkey, Expert Systems with Applications, Vol. 39, PP. 14-24.

Hale, William (2006) Christian democracy and AKP: parallels and contrasts. edited by: Ali Carkoglu and Barry Rubin. London-New York. Routledge, Taylor and Francis Group.

Ihsan Yuksel, Metin Dagdeviren (2007) "Using the analytic network process (ANP) in a SWOT analysis-A case study for a textile firm". Information Sciences, Vol. 20, pp. 47-62

Naji, Saeid & Jayum Javan. A (2013) Geopolitics of the Islam World leadership, Transcience, vol 4, Issue, PP 1-12

Perthes, Volker (2010) Turkish foreign policy in the Middle East: An outsider perspective. Insight Turkey.

Walt, Stephen (1987) The origins of Alliances, Ithaca: Cornell University Press.